

لحظه شماری دانشجویان ایرانی «ووهان» برای بازگشت به ایران

دلتنگی پشت دیوار کرونا

ترانه بنی یعقوب
گزارش نویسنده

دارند. بویژه آنهایی که دانشجوی
بیزشکی و داروسازی هستند.

خوابگاه این بچه‌ها نزدیک بیمارستان است و آنها اصلاً نمی‌توانند از خانه خارج شوند. فعلاً همه بیمارستان‌ها این بیماران را پذیرش نمی‌کنند و یکی از این بیمارستان‌ها که پذیرش می‌کند داخل دانشکده پزشکی است. حالا بیمارستان بزرگ هم در حال راه‌اندازی است و قرار است از این به بعد همه کسانی که این ویروس را گرفته‌اند آنجا ببرند.»

حرف‌های سینا مرایاد رمان کوری،
نوشته سارا ماگو می‌اندازد. رمانی که
درباره یک کوری سفید حرف می‌زند.
داستان از ترافیک یک چهارراه

آغاز می‌شود. راننده اتومبیل ناگهان کور می‌شود، یک کوری سفید رنگ. انگار که در دریای شیر غرق شده باشی. این بیماری بسرعت در شهر گسترش پیدا می‌کند و دولت دستور می‌دهد نایب‌ها در یک آسایشگاه اسکان داده شوند اما پریشانی شهر بیش از آن است که بشود کاری

از پیش برد. کارها درهم و برهم می شود و شهر از هم می پاشد حالا سسینا در گفت و گویش داستانی تقریباً مشابه را تعریف می کند با این تفاوت که این بار ویروسی عجیب در دنیای ماوقع شبنم رفته همه را تسلازم

سینا! از اینکه بروی بیرون و بسته‌های غذا را به دست بقیه برسانی فتر سدی؟

من درکل سرنترسی دارم. خیلی از بچه‌ها می‌گفتند نرو داستان می‌شود. خیلی استرس داشتند. باور کن این قرنطینه استرسش حتی از

■ برای تهیه غذا چکار می‌کنید،
سفارت در اختیار تان می‌گذارد؟

بله. بسته‌های حاوی غذا، ویتامین
و ماسک. البته یک انبار به ما معرفی
کردند و خودمان رفتیم همه کارهای
لازم را انجام دادیم اما در کل خیلی
سفارت به ما کمک کرده و الان هم
می‌خواهند کمک کنند برگردیم.

■ یعنی الان در وهان، همه برای پیدا کردن غذا سراغ انبارها می‌روند؟
چطور از سلامت غذاهای انبار مطلع شدید و چه مواد غذایی خریدید؟

یک انبار در حومه وههان بود که
چهاره‌های سفارت به ما معرفی کردند.
ما فریتیم صحبت کردیم و سفارت
هم یک ماشین به ما داد برای
حمل و نقل. این انبار شامل چینی‌ها
نیست، متعلق به مسلمان‌هاست و
صاحبش هم یک عرب و همین‌طور
همه وسایلیش پلمب شده. ما بیشتر
ترجیح دادیم کمیوت و کنسرو بخیریم
غسل، نان، پنیر، خرما،
همین، تن ماهی و لوبیا و کنسرو
که به دست‌فروشی شده بود.

■ برای آب چکار می‌کنید؟
- تعداد محدودی از بچه‌ها آب نداشتند که برایشان بردیم. البته اینجا آب شیر آشامیدنی نیست و خود چینی‌ها آب را می‌جوشانند و می‌خورند ولی بچه‌های ما بیشتر از گالن‌های ۲۰ لیتری استفاده می‌کنند.

■ خود چینی‌ها برای غذا چکار می‌کنند؟

چون قبل از این داستان‌ها عید چینی و سال نو شان بود و ۱۴ روز تعطیل بودند، فکر می‌کنم خیلی خرید کرده بودند و بعد از اخطار بیماری هم باز

خیلی خرید کردند. البته خیلی ها هم این اختارها را جدی نمی گرفتند.

■ واقعیت دارد که این بیماری از سوپ
خفاش آمده؟

سوې خفاش، مسأله جدیدی نیست

و این طور نیست که مردم این شهر برای اولین بار این سوپ را خورده باشند. این عادت مردم این شهر است. اما چیزی که خودشان می گویند این است که بیماری از سوپ خفاش می گزید و از بازار ما مایه آمده. می گویند مارها خفاش خورده اند و مردم هم مار خورده اند چون مردم اینجا سبست مار و ماهی و خرگج

می‌خورند تا سوپ. البته سوپ خفاش و چیزهای مشابه این هم همه جای شهر نیست، یعنی این طوری هم نیست که بروی رستوران و بگویی

بیمارستان‌های دیگر آنجا هستند.
ما تازه واردها دچار رعب و وحشت
بیشتری شدایم چون نه با مردم
چین آشنایی داریم نه فرهنگ و
نه زبان و نه آداب و رسوم‌شان.
خانواده‌هایمان هم استرس شدیدی
دارند و هر روز زنگ می‌زنند و جویای
سلمان هستند. خانواده‌های ما واقعاً
ترسیدند...»

محمد، خارج از خوابگاه زندگی می‌کند و این روزها تقریباً از خانه خارج نشده و با غذاهای سفارت زندگی کرده است؛ غذاهایی که می‌گوید دیگر رو به اتمام است: «در سطح شهر هیچ ترددی نیست؛ نه تاکسیران، نه اتوبوس. منع آمد و شد گذاشته‌اند. تعداد انگشت شماری سوپرمارکت باز است و مردم از

ترس و ویروس جرات نمی‌کنند از خانه‌هایشان خارج شوند. ووهان شهر ارواح شده. دانشگاه از همان اول به ما پیام داد بیرون نیایید ما توی خانه حبس شدیم. ترسی که الان ما داریم از تصورات مردم است. الان استرس برگشتن به ایران و نوع واکنش مردم داریم.

■ محمد! مگر به شما توهینی شده؟
اگر سری به شبکه‌های خبری مختلف و شبکه‌های اجتماعی بزنید متوجه می‌شوید. باور کنید ما در سلامت کامل هستیم و تست هم داده‌ایم و موقع برگشتن هم دوباره تست می‌دهیم.

سینا هم حرف‌های محمد را تأیید می‌کند؛ اینکه دانشجویهای ایرانی بیشتر از اینکه ترس کرونا داشته

باشند از لحاظ روحی و روانی تحت فشار هستند؛ همه چیزها از نظر روحی دوری و داغان هستند. یک سبزی از شهر رفتن بیرون اما وقتی آنجا وریا باشد و دیدن و فهمیدن آواره کرده و خیابان شدند. خواجه می‌کند این نکته را هم مردم بگویند که ما قبل از خروج از ووهان تست سلامت می‌دهیم، ایران هم که بایایم ۱۵۰ روز قرنطینه می‌شویم. متأسفانه این روزها در شبکه‌های اجتماعی بدجوری به ما بد و بیراه می‌گویند. اگر تا الان هم طول کشیده و نایماده‌ایم برای مراحل اداری پیچیده‌اش بوده ولی قول داده‌اند این روزها برگردیم. خروج ما نایماند کلی مجوز از جاهای مختلف بود تا اجازه برگردیم.

پرواز ماهان قرار است بیاید دنبال مان
و یک شب هم نماند.»

بجه‌های سفارت واقعاً آمدن می‌کند. کردند ما اولین کشوری ایران می‌باشیم که توانستیم با دانشجویان ایرانی بسته‌های غذایی بپوشش بدهیم. آنها را تمام با ما در تماس بودند و مشکل نظام وظیفه بجه‌ها را هم حل کردند که بتوانیم برگردیم. خیلی از کشورها این‌ها نشان از خارج کرده‌اند. جز عراقی‌ها، یمنی‌ها و سوریه‌ها که برگشت‌شان را لغو کرده‌اند و گفته‌اند هیچ کمکی برای خروج‌شان نمی‌کنند. عراق قرار بود هوایی‌ها بفرستد بعد گفته‌اند باید همان جا بمانند. بیشترین ترس ما از برخورد مردم است و قرظینیه ایران هم هر چند در گذشته داخل کتل می‌مانیم، به

مردم بگویند ما سالمین و لطمه‌ای به کشور نمی‌زنیم. از این گذشته خیلی‌ها می‌گویند شما آقا زادید و با پول مردم آمده‌اید چین و چه بهتر که این بلا سرتان آمده، اما باور کنید ما آقا زادید نیستیم و با هزینه خودمان اینجا درس می‌خوانیم، خیلی آسوده‌ایم و اینجا کار می‌کنند تا هزینه تحصیلشان را دریافت کنند».

اهالی رمان کوری سرانجام خوبی داشتند. آنها روزی که فهمیدند با همدلی عمومی می‌توانند اوضاع را دوباره به سامان کنند، بیانی شان را به دست آوردند. خیلی‌ها می‌توان روزها از رسیدن کرونا به کشور می‌ترسند. خیلی‌ها می‌پرسند آیا این بیماری ممکن است ما را هم درگیر کند؟ شاید تنها راه پیشگیری از این بیماری در کشور، همدلی و اطلاع‌رسانی دقیق باشد.

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۳- فیلمی از «دارن آرونوفسکی»- پرنده کلنگ-
آپارتمان زنبور- اسم آذری
۴- نان تنوری- پارچه نفیس از ابریشم- همان «گیشه»
است

- ۵- صدای بچه- ضوضاء و شور- موله
- ۶- شهری در استان «خراسان رضوی»- بی- پی- راه فرار
- ۷- آید اسپار- چند شهاده- محقق آگاه
- ۸- بازیگروزمی کار فیلمهای «شکستناپذیر ۲ و ۳»
- ۹- مطیع- نیاز مند نوشیدن آب- امریه شستن- راج میمنی
- ۱۰- جناح لشکر- مطیع- قهرمی بکه کارگردانی «اکبر صادقی»
- ۱۱- آید از اتهام- خدوهرها- فیلم رستم
- ۱۲- محفظه لوله‌ای- چسب- تیرو کمان- سیرت زود
- ۱۳- شکوفه- بین- کار سنجدیده- سرما
- ۱۴- مثل- دودی ره بالکان- دکه در فیلمهای اکبر کاربوتری
- ۱۵- غذای «آلاتاری»- وودوید آب آمریکا

س- طرف آبخوری سرگشاد
کارگرسنوزان- بی باروهمدم- از جنس نی
- مخفف- امثر «ریچارد چیم» (۲۰۲۰)- بی سابقه
فنی- در کشتی- آنکه دنیا را برای آخر ترک کند- پسر
بهام- یعقوبی
- پهلو- لایه محافظ- اندوهگین
- نماینده دولت مرکزی و گامشته بخشدار- مجموعه
نعار شاعر- قرمز مایل به ملای
- هستی- دستیابی- سیاستمدار
ع- اعب و تقص- ساز دایره سزر مشترک- ماه پاییز- از
از انجیل- ماه دلیا- «به دنیا آمدن»- ونگر «بریسولس»
- کارگردان

عمودی:

- پول «مالزی»- بنای تاریخی «مراغه»
- مفتش- بعضی اوقات- چند کتاب

[illegible][illegible]

جدول
عادی

نه‌ای از مغولان
-شدیدتر- امیدواری
ن-»- کاشکی- تاک

۱- شمالي ترين شهر استان کرمان) - بت - زين و برگ
۲- آسمان چارو - سپردن - مثل و مانند
۳- کشور (صنعاء) - سمیع - گروه تحقیقاتی
۴- دو خوک زانویه - زندگی - کشتی جنگی
۵- کلمبیا) «کلمبیا» و «مکزیک» -
۶- موقع تعجب می خوردند - به طور لزوم - مسلسل
۷- بی بی
۸- جام - مشابه و یکنواخت - بزرگ و کوچک آن در
۹- مستان است
۱۰- اقامه ادبیات - قوه سخن گوئی - پدر عرب
۱۱- افرادی - راه ریزیمینی - ماده ضویری چای
۱۲- من - شما - فینال، آخرین - کلمه ای در برابر
۱۳- چینه خیز صورت
۱۴- ماترک و میراث
۱۵- کانه - امور
۱۶- سکنه ستنی

♥ عمودی:
 - مرکز کشور «ماتادورها» - آواره
 - مها-بخش - پهلوان قهرمند قزلباش «یونان» - عقاید
 - اشاره به دور - نیگوری - صدای نرم خندیدن - سپس
 عرب
 - پوستین دوز - ضمیر معقولی - کوبنده مطبخ
 - مخفف پرورش - خویشاوندی، هم‌مانگی - بخشی در
 (نیویورک)
 - نصیحت کننده - نهادهی نظامی و بازوی مسلح
 - اسداری از نظام جمهوری اسلامی - واحد تقسیم زمین
 ملک
 - ضمیر متصل دوم شخص مفرد - گوارا - آسوده
 خاطر - کمیت
 - بازگردم فرم فیلم «پچه‌ای جا جواب قرمز» (روی پرده
 سینماها)
 - گل ولجن - نام «پاستور» - سخنرانی - چه وقت؟
 - بی‌ای - بنیاد - پذیرش
 - خانه دوم کارمند - از مصالح ساختمانی - اکسید
 تگلیسم
 - حس یونانی - سال آذری - اردگنی
 - برابر - شهر «زفران» - خطاب بی ادب - صد متر
 مربع
 - روی هم چینی دیوار - دارنده صفات ناپسند -
 مبارز باغیانی
 - جانشنه و غذای ابرانی - دبه

جدول ویژه

- ۱- پایتخت «کامرون»- مرکب انسان قبل از خود-ورزش
- ۲- مخفف نه از- بازیکن محبوب سابق «لیورپول»- جنس مذکر
- ۳- هواخوری- موی بلند سر زنان- پست فطرت
- ۴- سهولت- ادب- معلوم آشکار
- ۵- شهر شمالی- نام مستعار «ماریا شاراپووا»- تنیس باز